ژیل پرو و تکه‌های گم‌شده تاریخ، به بهانه تجدید چاپ مجموعه داستان «وعده‌گاه شیر بلفور»

داستانی، راهی، بیراهه‌ای

پیام حیدرقزوینی

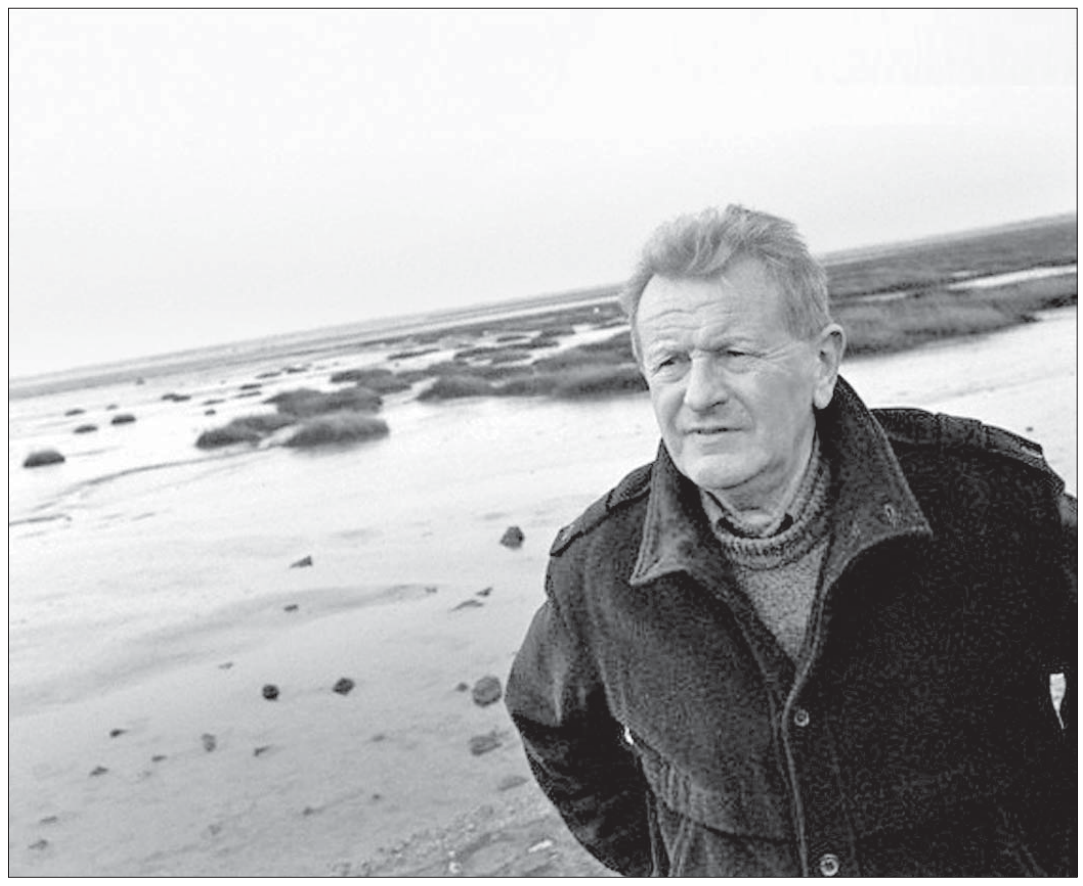

داستان‌های ژیل پرو معمولا با شروعی ناگهانی در همان سطر اول خواننده را غافلگیر می‌کنند و او را به دل رویدادی غالبا تاریخی پرتاب می‌کنند. تجربه پرتاب‌شدگیِ خواننده در داستان‌های پرو با نوعی هراس آمیخته است. هراسی که هم ناشی از شروع ناگهانی قصه است و هم برآمده از ماجرای داستان و وضعیت شخصیت‌های قصه‌ها. از بین هفت قصه‌ای که ابوالحسن نجفی از ژیل پرو انتخاب کرده و آنها را در مجموعه‌ای با نام «وعده‌گاه شیر بلفور» به چاپ رسانده، همه داستان‌ها به‌جز دو داستان آخر مجموعه که البته می‌توان آنها را رمان‌کوتاه هم نامید، از زاویه دید سوم‌شخص روایت می‌شوند. زاویه دید سوم‌شخص در داستان‌های پرو غالبا سوم‌شخصی محدود به ذهن شخصیت‌ها است و به عبارتی راوی بازتابنده یا کاتب ذهنیت شخصیت داستان‌ها است و به همین خاطر تشویش و هراس و تناقضی که در اغلب شخصیت‌های داستان‌های پرو دیده می‌شود به‌طرز محسوسی به خواننده منتقل می‌شود. از بین داستان‌های این مجموعه، قصه اول با نام «نامزد و مرگ» از یک حیث متمایز از دیگر داستان‌ها است و آن اینکه این داستان ارتباطی با تاریخ ندارد. بااین‌حال این قصه نیز در همان جمله اولش، وقتی راوی خبر از ورود زودهنگام و دور از انتظار افرادی نامعلوم می‌دهد، نوعی تشویش در خواننده به وجود می‌آورد. و ضمنا شخصیت‌های این قصه نیز با تناقض و تردید روبرویند و در آخر هم قصه با تلخی پایان می‌گیرد و حسرت و عشقی فروخورده باقی می‌ماند.

این مجموعه اگرچه شامل قصه‌هایی بهم پیوسته نیست اما ارتباطی میان داستان‌ها برقرار است که چون نخی نامرئی از میانشان می‌گذرد و به یکدیگر وصلشان می‌کند. قصه‌های این مجموعه، به جز همان اولی، همگی به رویدادی تاریخی پیوند خورده‌اند و میان گذشته و اکنون در آمدورفت‌اند و مهم‌تر از اینها اینکه داستان‌ها راه خود را از طریق تصویرکردن ذهنیت شخصیت‌ها باز می‌کنند و پیش می‌روند. داستان‌ها هریک به واسطه‌ای نقبی به گذشته می‌زنند، گذشته‌ای که اگرچه با امر کلی و تاریخ پیوند خورده، اما بیش از آن به وضعیت شخصیت‌های درگیر موقعیت‌های تاریخی توجه داشته است. گذشتهِ داستان‌های پرو، گذشته‌ای است مربوط به قهرمانان، خائنان و قربانیان تاریخ. در این داستان‌ها تصویر قطعی از قهرمان، خائن و قربانی وجود ندارد و داستان‌ها مدام میان این سه وضعیت در نوسان‌اند. شخصیت‌های داستان‌های ژیل پرو غالبا سوژه‌هایی تاریخی‌اند اما لزوما همه آنها قهرمان‌هایی تام و تمام نیستند بلکه آدم‌هایی‌اند که در مواجهه با رویدادی تاریخی (هجوم نازی‌ها و اشغال فرانسه، جنبش می ۶۸، نبردهای استقلال الجزایر و...) به سوژه‌های سیاسی و تاریخی‌تبدیل شده‌اند اما بااین‌حال این سوژگی، آنها را بدل به ابرقهرمان‌های خیالی و اسطوره‌ای نکرده است. هریک از آنها می‌توانند در زیر فشار وادهند، دچار وحشت شوند، روحیه حسابگرانه داشته باشند و به عبارتی در داستان‌های پرو مرز روشنی میان قهرمان و خائن وجود ندارد.

داستان‌های پرو هریک تکه‌هایی از تاریخ را برگزیده‌اند، تاریخی که معاصر نویسنده است و غالبا به فرانسه بعد از جنگ جهانی دوم مربوط است. ژیل پرو در داستان‌هایش به سراغ نقاط نامکشوف و دیده‌نشده تاریخ معاصر رفته و از زاویه‌ای دیگر به مبارزان نهضت مقاومت فرانسه، جنبش می ۶۸، جنگ‌جهانی دوم، وقایع استقلال الجزایر و مبارزات استقلال‌طلبان ایرلند شمالی پرداخته است. ژیل پرو در دوره خدمت نظامش در الجزایر بوده و در آنجا از نزدیک شاهد خشونت نظامیان فرانسوی بوده و بعدها تحقیقات زیادی درباره ناگفته‌ها و وقایع فراموش‌شده جنگ‌جهانی دوم کرده است. داستان‌های او، پر شده از سوال‌هایی که گاه بی‌پاسخ می‌مانند و در آخر معلوم نیست که مرز میان قهرمان یا خائن کجاست و همه آنها با «دوگانگی تناقض‌آمیزی» روبرویند. داستان‌های این مجموعه به‌دنبال ارائه تصویری اسطوره‌ای از قهرمانان نیست بلکه می‌کوشد به ذهنیت مبارزان نزدیک شود و دغدغه‌ها، ضعف‌ها، مقاومت‌ها و وادادن‌های آدم‌های درگیر در موقعیت‌های تاریخی را به تصویر بکشد. بیشتر قهرمانان این داستان‌ها قربانی‌اند. قربانی شرایطی که به آنها تحمیل شده بی آنکه نقش چندانی در ساختن این شرایط داشته باشند.

داستان دوم مجموعه با نام «بازگشت بیندوم»، همچون دری است برای ورود به جهان داستانی مشترکی که قرار است از این قصه به بعد روایت شوند. «بازگشت بیندوم» به نوعی بازگشت «شر» است، اگر بتوان گفت شر یا شیطان پیش از این مرده بوده است. بیندوم که عضو سابق گشتاپو است، نماد شر جهان امروز است. او نماد جنگ، شکنجه و دورانی است که انگار به سر رسیده اما از قضا هنوز در شکل‌وشمایلی متفاوت تداوم دارد و حالا به یکباره ظاهر شده است. این داستان در سطر اولش طوری خبر از بازگشت بیندوم می‌دهد که انگار هنوز دوره جنگ است و عضوی از گشتاپو می‌تواند بعد از ربع‌قرن باز هم شخصیت قصه را مورد خطاب قرار دهد: «از پشت سر خود صدای محکم و خشنی شنید: از جاتان تکان نخورید! گشتاپو است!» شخصی که مورد خطاب بیندوم قرار گرفته، عضو سابق نهضت مقاومت فرانسه است که در دوره جنگ توسط او بازداشت شده بود و اینک در دوره بعد از جنگ و در کشورش، فرانسه، باز مورد خطاب بیندوم قرار گرفته است. با این خطاب ناگهانی در همان شروع داستان، خواننده نیز انگار در همان جایگاه شخصیت قصه قرار می‌گیرد و میان «تن و روانش» جدایی می‌افتد: «در حالی که هزاران عضله که او از وجودشان خبر نداشت در تنش منقبض می‌شد نوعی کیف آمیخته به سستی بر او چیره شد (کارم ساخته است) و او همیشه فکر کرده بود که این حتما شبیه کیفی است که پس از رفع خماری به معتاد دست می‌دهد.» بیندوم، عضو سابق پلیس مخفی آلمان نازی، در دوره بعد از جنگ باز هم به فرانسه برگشته اما این‌بار در قامت کارخانه‌دار و سرمایه‌داری که دم از وظیفه می‌زند. او حالا توریستی است که قصد گشت‌وگذار دارد و در مواجهه با زندانی سابقش هنوز هم دست بالا را دارد. شکنجه‌گر سابق حالا خود را پدری می‌داند که چشم زندانیانش را به واقعیت می‌گشوده و با انواع شکنجه از آنها حرف می‌کشیده است. عضو سابق نهضت مقاومت فرانسه که در گذشته زیر شکنجه‌های بیندوم واداده و حرف زده بود، در رودررویی مجدد برای پیروزی بر شکنجه‌گرش از برادرش نام می‌برد که در زیر شکنجه حرفی نزده و در نهایت مرده است. اما در آخر گرهی دیگر در داستان به وجود می‌آید و بیندوم از خیانت برادر و زن زندانی پرده برمی‌دارد و وضعیت همچنان مبهم باقی می‌ماند. سال‌ها بعد از اتمام جنگ، بیندوم هم روایت خود را از ماجراها دارد و بی‌هیچ ترسی به فرانسه برگشته و در مواجهه با زندانی سابقش، شکنجه‌ها را توجیه می‌کند و از انجام وظیفه حرف می‌زند: «من به‌طور عادی وظیفه‌ام را انجام می‌داده‌ام. البته وظایف ناخوشایند هم هست. عینا، نه کمتر و نه بیشتر، مثل وظایف چتربازهای فرانسوی در الجزایر یا متخصصان آمریکایی در ویتنام یا پلیس‌های اسرائیلی در سرزمین‌های اشغالی. به قول شما فرانسوی‌ها، زندگی است دیگر. راستش تک‌وتوکی از مشتری‌های قدیمی من دوستان خوبی شده‌اند. میزان کارایی روش من صددرصد بود. ما همه نجاستیم، خودتان که می‌دانید.» عضو سابق گشتاپو طوری از گذشته‌اش حرف می‌زند که نه‌تنها هیچ ردی از حسرت یا پشیمانی در آن وجود ندارد بلکه از گذشته‌اش دفاع هم می‌کند. بازگشت بیندوم با همان شکل‌وشمایل نشان می‌دهد که جهان بعد از جنگ، هنوز خالی از «شر» نیست و شر به شکلی دیگر همچنان در این جهان پرسه می‌زند و انگار بخشی جداناشدنی از آن است.

داستان سوم مجموعه با عنوان «سالگرد»، تصویری دیگر از موقعیت انسان‌های درگیر جنگ به دست می‌دهد. عشق‌های پنهان، قهرمان‌های ترس‌خورده، نیازهای جسمانی و ضعف آدم‌هایی که در موقعیت‌هایی بحرانی گرفتارند تصویرهایی از پشت‌صحنه جنگ است که در این داستان بازنمایی شده است. در این قصه آدم‌ها با همه نیازها و احساساتشان قربانی وضعیت بیرونی و امر کلی‌اند. در داستان‌های ژیل پرو، شر امری بیرونی است و به وضعیت مسلط برمی‌گردد و نه به فردیت آدم‌ها. آدم‌های این قصه‌ها، مقهور علایق و احساسات و نیازهای انسانی-حیوانی‌شان هستند و این شرایط هم درباره قهرمان‌های قصه‌ها صادق است و هم در مورد خائن‌ها. به عبارتی وضعیت انسانی در برابر شر بیرونی قرار دارد و آدم‌ها مستعد هر چیزی هستند و در نهایت هریک مقهور شرایطی‌اند که توسط امر کلی به آنها تحمیل می‌شود. در این وضعیت عشق‌ها به خیانت آمیخته است، مقاومت‌ها شکننده است و قهرمان‌ها غالبا رنجورند. امر کلی و امر شخصی گاه درهم‌تنیده‌اند و ضعف‌های انسانی در بزنگاه‌های تاریخی سربرمی‌آورند. در داستانی دیگر از کتاب با نام «مردی از اوکراین»، جاسوسی آمریکایی برای خرابکاری به منطقه ممنوع بلوک شرق وارد شده و درست در پای دیوار برلین و در اوج اضطراب به تجربه‌ای عجیب و ناقص از لذت جنسی می‌رسد. این داستان در سطر اولش خبر از ضعف شخصی شخصیت قصه می‌دهد «که در زندگی هرگز با لذت جنسی آشنا نشده بود. تصمیم داشت که روزی نزد روان‌پزشک برود و توضیح این ویژگی را از او بخواهد، ولی هنوز فرصت دست نداده بود. پیش از هفده سالگی، بدنش فقط در دو موقعیت خاص، پیش‌درآمد لذت را برایش فراهم آورده بود: یکی در جلسه امتحان هنگامی که لحظه تحویل دادن ورقه‌اش نزدیک می‌شد و می‌دانست که فرصت تمام‌کردن آن را ندارد و دیگری، باز هم در دبیرستان، هنگامی که دبیر ورزش مجبورش می‌کرد که روی میله چوبی، در ارتفاع پنج‌متری سطح زمین، خزیده پیش برود(چون دچار سرگیجه می‌شد نمی‌توانست ایستاده از آن بگذرد). در هر دو مورد، به آستانه کشف لذت رسیده، اما هرگز به خود آن دست نیافته بود. امروز در پای «دیوار» همین حالت را در خود حس کرد. اینجا نیز کم‌وبیش در همان وضع دوران

وعده‌گاه شیربلفور وداستان‌های دیگر
ژیل پرو
ترجمه ابوالحسن نجفی
نشر نیلوفر
چاپ دوم ۱۳۹۳

نوجوانی‌اش قرار داشت. برای خراب‌کاری به آلمان شرقی آمده بود و می‌بایست سی‌ساعت پس از انجام کار هرچه زودتر گزارش خود را تسلیم کند...» ضعف-لذت شخصیت قصه درست در برابر دیوار برلین و موقع خرابکاری سربرمی‌آورد و موقعیت رقت‌انگیز او را به تصویر می‌کشد. او چون جانوری در پشت دیوار گیر می‌افتد و امکان گذر از آن را نخواهد یافت، چون قرار است قربانی امر کلی باشد.

داستان‌های پرو اگرچه هریک به واسطه‌ای به گذشته برمی‌گردند، اما در ذیل رجوع به گذشته تصویری از جهان امروز هم به دست داده می‌شود. به عبارتی، گذشته هنوز به پایان نرسیده و رد آن همچنان در جهان امروز دیده می‌شود. جهانی که در آن دیگر خبری از آرمان‌های قبلی هم نیست و همه‌چیز درهم‌شده و مبهم است. این تصویر بیش از هر داستان دیگری در قصه «ناله‌های بلند» دیده می‌شود. قصه‌ای که همزمان با جنبش می ۶۸ است و درباره پسری است که بعد از مرگ پدرش که از اعضای نهضت مقاومت بوده به دنیا آمده و در طول داستان با مسئله خیانت پدرش روبه‌رو می‌شود و همه زندگی‌اش وقف یافتن دلیل خیانت پدرش می‌شود و بعد این تردید به وجود می‌آید که آیا پدرش واقعا خائن بوده است؟ او برای یافتن پاسخ این پرسش به زیرورو کردن وقایع گذشته می‌پردازد اما در آخر به تأمل درباره وضعیت فعلی خود و جهان اطرافش می‌رسد. دهه بعد از ۱۹۶۰، با سربرآوردن بی‌عملی و بی‌ارادگی همراه است و در این قصه پسری که متعلق به نسل دهه ۶۰ است، در جست‌وجوی واقعیت عملکرد پدرش به درکی درست‌تر از وضعیت فعلی می‌رسد: «در می ۶۸ نمی‌دانست چقدر حق با اوست که می‌خواهد همه‌چیز را درهم بشکند. و نیز نمی‌دانست که برای این‌کار به چیزی بیشتر و بالاتر از سنگرهای خیابانی در محله دانشجویی احتیاج است. جامعه را نمی‌توان با کندن پوست کف خیابان‌هایش عوض کرد. آن بی‌شرف‌ها می‌دانستند که چطور باید همه‌چیز را تحمل کنند... همه یک جایشان گندیده است. باید تمیز کرد. ولی آسان نخواهد بود. از اینکه کنار بکشیم و در حاشیه بایستیم به جایی نمی‌رسیم.... باید ارتش بشویم. ارتش‌شدن کند است، سنگین است، قدم‌رو می‌خواهد، اغلب باید بیهوده دور خود چرخید، عده‌ای از فرماندهان نالایق‌اند و عده دیگر دیوانه، ولی به هر حال ارتش است.»

قصه آخر مجموعه با نام «گم‌گشته» به جریان نبردهای ایرلند شمالی با نیروهای انگلیسی مربوط است و یکی از مبارزان که با اتهام خیانت روبه‌رو شده، به ساحلی دورافتاده رفته تا مخفی شود. او در تنهایی‌اش به وقایع مختلفی فکر می‌کند و در جایی از داستان وضعیت جهان امروز را با پوزخندی به پرسش می‌گیرد: «بر روی جنازه من، کلمه «تروریست» را تف خواهند کرد. و با این یک کلمه همه چیز گفته خواهد شد. چنین است زمانه‌ای که ما در آن به سر می‌بریم. پیروزی بزرگ «اتحاد مقدس» کشورهای مقتدر در این است که با اطلاق کلمه «تروریست» توانسته‌اند طغیان‌های احمقانه چند متعصب تک‌رو را با پیکارهای ارتشی از سربازان مخفی یکسان جلوه دهند، سربازانی که برای آزادی کشورشان مبارزه می‌کنند و اگر از پشتیبانی بی‌قیدوشرط ملتشان برخوردار نمی‌بودند از مدت‌ها پیش نابود شده بودند. من برچسب تروریست را با رغبت می‌پذیرم. آن را روی تابوت مانوکیان و بن‌مهدی و چه‌گوارا و گمنامان بسیاری مانند من نیز چسبانده‌اند». اینها اگرچه فکر و خیال‌هایی است که در ذهن او می‌گذرد، اما می‌تواند نطق او در آخرین دفاع محاکمه‌اش هم باشد. محاکمه‌ای که البته هیچ‌گاه برای او وجود نخواهد داشت و او بی‌آنکه امکان دفاعی داشته باشد کشته خواهد شد؛ «چنین است زمانه‌ای که ما در آن به سر می‌بریم».

داستان «گم‌گشته» از زاویه‌دید اول‌شخص روایت می‌شود و برخلاف اغلب قصه‌های این مجموعه که گفت‌وگوی کاراکترها بخشی مهم از داستان را شکل می‌دهد، این داستان از طریق توصیف تردیدها و ترس‌های ذهنی راوی پیش می‌رود. راوی قصه در تنهایی‌اش خود را همچون مهره‌ای فرض می‌کند که در دست نیروهایی نامعلوم گرفتار است و هویتش در میان تردیدها و خیانت‌های اطرافش به چالش کشیده می‌شود: «روزنامه‌ها خواهند نوشت که او باعث و بانی همه‌چیز بوده است و من بازیچه عشق و هوس قرار گرفته‌ام. آن‌گاه وضع آدم ساده‌لوحی را خواهم داشت که افساری بر گردنش افکنده و به آنجا که دلخواهشان بوده کشیده‌اند. ولی حقیقت این نیست. من آزادانه و آگاهانه تن به خطر داده‌ام. و پشیمان هم نیستم. یعنی تا این زمان پشیمان نیستم. ولی اگر قرار بر این باشد که با گلوله دوستان مورین از پا درآیم با تلخی زهر در کام خواهم مرد. مورین همیشه می‌گفت: «یاران ما». پس آنها «یاران من» هم هستند. اما من از این پس برای آنها چه خواهم بود؟ سربازی گم‌گشته یا خائنی کشتنی؟» «گم‌گشته» از معدود قصه‌های این مجموعه است که توصیف طبیعت در آن دیده می‌شود، طبیعتی بکر در ساحلی دورافتاده که البته برای راوی قصه آرامشی به همراه ندارد؛ چراکه او سال‌هاست از سیر طبیعی زندگی دور افتاده و به موجودی ترس‌خورده تبدیل شده که هر لحظه منتظر وقوع حادثه‌ای است: «این ولایت ظاهرفریب است. همه اسراری دارند، پنهان‌کارند، مخفیانه فعالیت‌هایی می‌کنند و همه با هم کنار می‌آیند. در اینجا نیز مثل جاهای دیگر، من بیگانه‌ام، از افراد خانواده نیستم. هرچه زمان بیشتر می‌گذرد خودم را بیشتر گرفتار تار عنکبوت ناپیدایی حس می‌کنم.» در طول قصه هرچه وضعیت راوی پیچیده‌تر می‌شود شرایط جوی ساحل نیز بدتر می‌شود و طوفانی هول‌انگیز به ساحل هجوم می‌آورد و انگار وضعیت راوی و طبیعت درهم‌تنیده است: «شب سراسر طوفانی بود. باد شمال شرقی امواج را با چنان شدتی به تلماسه می‌کوبید که من هرگز نظیر آن را در این دریای آرام ندیده بودم. ماسه گویی با جاروی برقی غول‌آسایی مکیده می‌شد و پیاپی بر شیشه سرتاسری می‌بارید... به اتاقم پناه بردم. منظره خیره‌کننده‌ای بود. گاهی پرتو ماه از لای ابرها بیرون می‌زد و نورافکنی بر دریای شناخته‌ناشدنی می‌تاباند. گویی دریا، چون موجودی زنده، اراده کرده بود که همه‌چیز را از جا بکند و با خود ببرد: تلماسه‌ها و ویلاها و چمن‌ها را، این جهان جامد را که ضد ذات سیالش بود. هول‌انگیز بود... خوابم نمی‌آمد. تمام بعدازظهر را خوابیده بودم. می‌ترسیدم که پنجره‌ها و در شیشه‌ای از حمله باد فرو بریزند و، به طور مبهم، گویی در کابوسی کودکانه، وحشت این را داشتم که موج غول‌آسایی از دل تاریکی بیرون بجهد و ویلا را با خود ببرد. ولی این هجوم گیج‌کننده، در عین هیبت، به نحوی دل‌خوشم می‌داشت. بخارهای عفن ترس را می‌زدود. طبیعت تار عنکبوتی را که در آن دست‌وپا می‌زدم از هم می‌درید. دوباره به طبقه همکف رفتم و گوشی تلفن را برداشتم. هیچ صدایی نمی‌آمد. ارتباط قطع شده بود...» مرگ سرنوشت محتوم راوی قصه است. او و دیگر شخصیت‌های قصه‌های ژیل پرو، همگی قربانیان فراموش‌شده تاریخ‌اند. این قصه‌ها از فراموشی تن می‌زنند و نشان می‌دهند که راه‌ها و بیراهه‌ها گاه چنان درهم می‌شوند و وضعیتی چنان هول‌آور می‌آفرینند که آدم‌های گیرافتاده در این وضعیت تا مغز استخوان گرفتار دوگانگی تناقض‌آمیزی‌اند.

عطف کتاب

خواندن‌ونوشتن

به‌تازگی چاپ پنجم «کلمات» ژان‌پل سارتر با ترجمه ناهید فروغان در نشر ققنوس منتشر شده است. «کلمات» را می‌توان زندگی‌نامه خودنوشتی دانست که سارتر در ۵۹ سالگی‌اش نوشت و از آن به‌عنوان «شاهکار تحلیل شخصی» یاد می‌کنند. «کلمات» از جمله آثار قابل‌توجه سارتر به‌شمار می‌رود و تاکنون چندین‌ترجمه از این کتاب به فارسی انجام شده است. ناهید فروغان در بخشی از مقدمه‌اش درباره این اثر نوشته: «آشنایی با زندگی خصوصی یک نویسنده بزرگ چنان جذابیتی داشت که هیچ‌کس توانایی مقاومت در برابر آن نداشت، حتی کسی که در کتاب به توصیف درآمده بود، چون این فرد، یعنی سارتر شخصا شروع به نوشتن خاطراتش، البته با لحن دیگری، کرد، حاصل آن کلمات بود که کتابی است گزنده و تند و جدی که سارتر با طنز و تلخی دوران کودکی خود را که از آن بیزار بود، در آن شرح داده است. در این کتاب، سارتر اغماض را کنار گذاشته و خود را به دست تحلیلی بی‌رحمانه سپرده است و با آنکه مدتی بود به نحو سستی می‌نوشت (قدیس ژنه، بازیگر و حتی نقد عقل دیالکتیک او آکنده از لفاظی است) در شرح خاطرات خود کوشید موجز و بی‌پرده بنویسد. سارتر در این کتاب سبک جدیدی ارائه داد و همین امر توجه بسیاری از نقادان را به سوی آن جلب کرد». مترجم «کلمات» در مقدمه‌اش، هجو خانواده‌ای که سارتر در آن پرورش یافته بود و ماجرای ذوق ادبی او را دو مضمون عمده این کتاب می‌داند. سارتر با نگاهی نقادانه و بی‌رحم می‌نویسد: «خواننده می‌فهمد که من از کودکی‌ام و همه‌چیزهایی که از آن مانده احساس نفرت می‌کنم». سارتر با انتقاد بی‌رحمانه از دوران کودکی و اطرافیانش، به شکل‌گیری ذوق ادبی‌اش می‌پردازد. سارتر در

کلمات
ژان‌پل سارتر
ترجمه ناهید فروغان
نشر ققنوس

«کلمات» بیش از هرچیز به «نفی» می‌پردازد و حتی در پایان کتاب درباره عمل «نوشتن» می‌نویسد: «همچنان می‌نویسم. چه‌کار جز این می‌توانم کرد؟ هیچ روزی نباید بدون نوشتن بگذرد. عادتم است، به علاوه شغلم این است. تا مدت‌های مدید قلمم را شمشیر فرض می‌کردم، کتاب خواهم نوشت، کتاب‌ها لازمند، کتاب‌نوشتن درهرحال مفید است. فرهنگ نه چیزی را نجات می‌دهد و نه کسی را؛ چیزی را توجیه نمی‌کند، اما محصول بشر است، آدمی خود را در آن فرافکنی می‌کند، خود را در آن باز می‌شناسد؛ فقط این آینه نقادانه تصویرش را به او عرضه می‌دارد. وانگهی این بنای قدیمی ویرانه، دغلبازی‌ام، شخصیت من نیز هست، می‌شود از روان‌نژندی خلاصی یابیم، اما از شر خودمان که نمی‌توانیم رهایی بیابیم. درست است که ویژگی‌های کودک تحلیل می‌روند، محو می‌شوند، تحقیر می‌شوند، کنار نهاده می‌شوند، به سکوت برگزار می‌شوند، اما در پنجاه سالگی نیز وجود دارند. بیشتر اوقات در تاریکی قرار گرفته‌اند، در کمینند. در نخستین لحظه بی‌توجهی، در جامه مبدل قد علم می‌کنند و ظاهر می‌شوند. صمیمانه مدعی هستم که فقط برای دوران خود می‌نویسم، اما از اشتهار کنونی‌ام مکدرم، چون زنده‌ام، افتخار به‌شمار نمی‌آید و همین برای نفی رویاهای کهنه‌ام کافی است...». کلمات از دو بخش با عناوین «خواندن» و «نوشتن» تشکیل شده و نحوه نگارش آن باعث شده تا آن را با «اعترافات» روسو مقایسه کنند.

نگاه

رمزگشایی از اسرار گنج دره جنی

جواد لگزیان

«زمانه‌وآدم‌هایش» کتابی است درباره داستان‌های ابراهیم گلستان. آن‌گونه که از کتاب برمی‌آید، نویسنده معتقد است داستان‌های گلستان هریک به‌گونه‌ای تصویری از تحولات انسان و جامعه ایرانی را در دوره معاصر بازتاب می‌دهند. مسئله مهم برای گلستان نفسِ داستان‌نوشتن نیست؛ آنچه برای او مهم است، ارائه تصویری هنری از زمانه و آدم‌هایش در قالب داستان است. به همین دلیل وقایع مهم تاریخ معاصر ایران، گرایش‌های مختلف اجتماعی- سیاسی و تفکرات گوناگون مطرح در جامعه ایرانی در داستان‌های او به طرزی هنرمندانه و با جسارتی مثال‌زدنی بازتاب یافته‌اند. «اکنون، ۶۵ سال پس از چاپ اولین کتاب گلستان، «آذر ماه آخر پائیز»، با تأمل در این کتاب و دیگر کتاب‌های او، به‌خوبی می‌توان دریافت که واقعیت اجتماعی چگونه از دریچه ذهن هنرمندِ او به اثری هنری تبدیل می‌شود تا فاصله‌های زمانی را از میان بردارد و تصویری ماندگار از تحولات جامعه را در پیش چشمان‌مان به نمایش درآورد.» در این کتاب شش اثر داستانی ابراهیم گلستان که به‌صورت کتاب منتشر شده‌اند، موردبررسی قرار گرفته است. این شش کتاب شامل چهار مجموعه‌داستان؛ «آذر ماه آخر پائیز» (۱۳۲۸)، «شکار سایه» (۱۳۳۴)، «جوی و دیوار و تشنه» (۱۳۴۶)، «مَد و مِه» (۱۳۴۸) و رمان «اسرار گنج دره جنی» (۱۳۵۳) و داستان بلند «خروس» (۱۳۷۴) است. به نظر نویسنده کتاب، گلستان در داستان‌نویسی معاصر فارسی نویسنده‌ای است که همواره صاحب سبکی منحصربه‌فرد دانسته می‌شود. او در بحث تأثیرپذیری گلستان از دیگر نویسندگان نیز بر این باور است که وسعت مطالعات گلستان به اندازه‌ای بوده است که نمی‌توان او را متأثر از یک نویسنده خاص دانست و البته از نظر جهان‌بینی هم او خود را محدود به دنیای رمان و ادبیات نمی‌داند. همچنین اشاره می‌کند علاوه بر زبان پاک و موجزی که گلستان از سعدی آموخته، از او آموخته که اسیر شاخ‌وبرگ رمانتیسم هم نشود: «گلستان در داستان‌نویسی معاصر فارسی نویسنده‌ای مستقل است؛ هم زبان داستان‌های او بی‌نظیر است و هم جهان داستان‌های او شبیه هیچ‌یک از نویسندگان ایرانی دیگر نیست. او همان‌گونه که تأثیرپذیری مستقیم از نویسندگان خارجی نظیر همینگوی را رد می‌کند، تأثیرپذیری از نویسندگان ایرانی هم‌عصر خویش از جمله صادق هدایت را نیز مردود می‌شمارد. درباره فرم داستان‌های گلستان نیز در این کتاب آمده است که علاوه بر دقت گلستان در به‌کارگیری کلمات مناسب در داستان‌ها، فرم و ساختمان داستان‌های گلستان از عوامل اصلی تمایز داستان‌های او از سایر نویسندگان است. به همین دلیل در بین داستان‌نویسان ایرانی توجه گلستان به ساختمانِ داستان زبانزد همگان است. خواننده داستان‌های گلستان به هنگام خواندن داستان‌ها باید خود در فرآیند شکل‌گیری داستان مشارکت داشته باشد. همه‌چیز از پیش در اختیار او قرار داده نشده است. او خود باید بین اجزای داستان ارتباط‌هایی برقرار کند تا سرانجام بتواند به معنایی که به شیوه‌ای هنرمندانه در کلیت داستان قرار داده شده است، دست یابد. ویژگی دیگر نثر داستان‌های گلستان هم استفاده او از اوزان عروضی ذکر می‌شود که این ویژگی در مجموعه‌های «جوی و دیوار و تشنه» و «مد و مِه» بیشتر دیده می‌شود. سنت و تجدد همواره از مهم‌ترین مسائلی است که در داستان‌های گلستان مطرح می‌شود: «در داستان بلند «از روزگار رفته حکایت» در مجموعه «مدّ و مِه»، گلستان به توصیف و تصویر ورود تجدد به ایران در عصر رضاشاه پهلوی پرداخته بود. گلستان در آن داستان، تقابل سنت رو به اضمحلال را در مقابل تجدد تازه به ایران رسیده نشان داده بود. به نظر می‌رسد در این رمان هم تجدد در دوره محمدرضاشاه

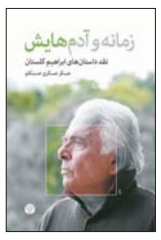

و ناقص‌بودن این پروژه مطرح است. تناقض در رفتار و گفتار مرد دهاتی و تقابل آن با رفتار و گفتار آموزگار-به‌عنوان نه نماینده، حداقل مدعی تجدد- آشکار است.» رمان «اسرار گنج دره جنی» نیز در نظر مؤلف «زمانه‌وآدم‌هایش»، هرچند ظاهرا حکایت خوشبختی مرد دهاتی‌ای است که به شیوه داستان‌های هزارویک‌شب، بخت بلند به‌یکباره همه آرزوهای او را با پیداشدن گنج برآورده می‌کند؛ اما در واقع، این رمان در ورای ظاهرِ فریبنده و سرگرم‌کننده خود، اشارت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مستقیمی به اوضاع ایران در اوایل دهه ۵۰ دارد. درونمایه این رمان نقد و سنجش یک دوره از تاریخ ایران است؛ دوره سال‌های آغازین دهه ۵۰ که محمدرضا پهلوی با اتکا به گنج این مملکت -نفت- با برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله سعی در احیای شکوه از دست‌رفته ایران باستان دارد. اوضاع اقتصادی ایران در دهه ۵۰ بر اثر افزایش صادرات نفت و ورود ارز به کشور دگرگون شده بود. حکومت پهلوی برای اینکه سود سرشار خود را که از فروش گنج مملکت- نفت- به دست می‌آورد، خرج کند، به واردات کالاهای مصرفی، خرید سهام کارخانه‌های غربی، گسترش صنایع مونتاژ، اسراف و تبذیرهای کلان به بهانه انجام امور هنری و فرهنگی و برگزاری جشن‌های گوناگون می‌پرداخت. همه این برنامه‌های حکومت در این رمان مطرح می‌شود و گلستان با استفاده نمادین از مرد گنج‌یافته و توصیف تصویر ریخت‌وپاش‌های او، حکومت پهلوی و برنامه‌های او را با طنزی جسورانه به سخره می‌گیرد. گلستان در اسرار گنج دره جنی جامعه ایرانی دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰ را تصویر می‌کند. در داستان‌های پیشین نیز از اولین مجموعه‌اش، «آذر ماه آخر پائیز» همواره به بیان هنرمندانه واقعیات جامعه ایرانی پرداخته است. فساد ریشه‌دار و نهادینه‌شده در جامعه، موضوع عمده داستان‌های گلستان است. هرچند بُعد هنری داستان‌های گلستان، آنها را در بین داستان‌های معاصر ماندگار کرده است؛ اما بعد اجتماعی این داستان‌ها نیز حائز کمال اهمیت است. از این حیث این داستان‌ها اسناد ماندگاری هستند که تصویرگر تاریخ معاصر ایران تلقی می‌شوند. گلستان که در داستان «مَد و مِه» پس از توصیف فساد گسترده و عمیقی که سراسر جامعه را فرا گرفته است، پرسیده بود: «آی! این سرزمین چه خواهد شد- این سرزمین چه خواهد شد با این فساد زودرس ارزان؟» گویا در «اسرار گنج دره جنی» به جواب این سؤال دست یافته است؛ فروپاشی کامل. رمان با توصیف حرکت یک دسته مهندس برای نقشه‌برداری آغاز شده بود. در پایان رمان هم با لرزه‌های حاصل از انفجارهای مهیب برای راه‌سازی مواجه هستیم. بر اثر این انفجارها خانه شیک ولی سست مرد دهاتی به لرزه درمی‌آید و سرانجام از بالای تپه به عمق درّه سرازیر می‌شود. این رمان بدون اینکه نویسنده‌اش ادعای پیشگویی داشته باشد، آشکارا از فروپاشی قریب‌الوقوع حکومت پهلوی خبر می‌دهد. جسارت گلستان در شخصیت‌پردازی مرد دهاتی به‌عنوان نماد محمدرضاشاه و نیز تجسم آموزگار روستا در نقش امیرعباس هویدا حقیقتا شگفت‌انگیز است؛ آن‌هم در دوران اوج اقتدار شاه. کتاب «زمانه و آدم‌هایش» یا عنوان فرعی «نقد داستان‌های گلستان» از تازه‌ترین کتاب‌های انتشارات اختران است.